

نگاهی اجمالی به سیمای زندگی امام جعفر صادق (ع) و نقش وی در رشد علم

ستاره موسوی^۱: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

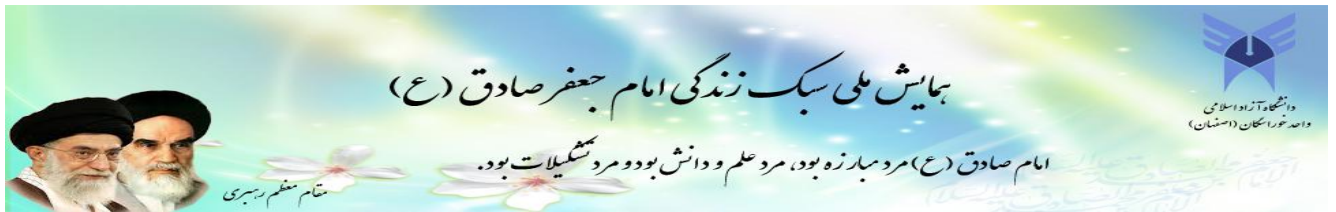
دکتر علی قاسم پور: عضو هیات علمی و ریاست دانشگاه پیام نور شهر رضا

مصطفی مهدیان: دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه اصفهان

پی‌شوایان دین اسلام به رشد و تعلیم و تربیت دانش در همه دوران زندگی تاکی‌د می‌کردند ولی این مسئله در دوه امام جعفر صادق به دلیل رشد مسلمانان و تغیری در شرایط محیطی نمود بیشتری پیدا کرده بود. مسئله نقل احادیث و پایه‌گذاری نهضت علمی توسط امام صادق (ع) می‌باشد. روش تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی می‌باشد و سوال اصلی تحقیق نقش امام صادق در رشد جای‌گاه علم و رشد و بلوغ علمی مسلمانان می‌باشد و محققین با نگاهی اجمالی و استنادی به آیات و روایات و پژوهشها به توصیف سیره و منش امام جعفر صادق و نقش ایشان در پایه‌گذاری و بسط نهضت‌های علمی در جهان اسلام پرداختند. عصر آن حضرت همچنین عصر جنبش فرهنگی و فکری و برخورد فرق و مذاهب گوناگون بود. پس از زمان رسول خدا دی‌گر چنین فرصتی پیش نی‌آمده بود تا معارف اصیل اسلامی ترویج گردد، بخصوص که قانون منع حدیث و فشار حُکام اموی باعث تشدید این وضع شده بود. لذا خلأ بزرگی در جامعه آنروز که تشنه هرگونه علم و دانش و معرفت بود، به چشم می‌خورد. امام صادق با توجه به فرصت مناسب سیاسی و نی‌از شدیدی جامعه، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش را گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته‌های مختلف علمی و نقلی شاگردان بزرگی تربیت کرد.

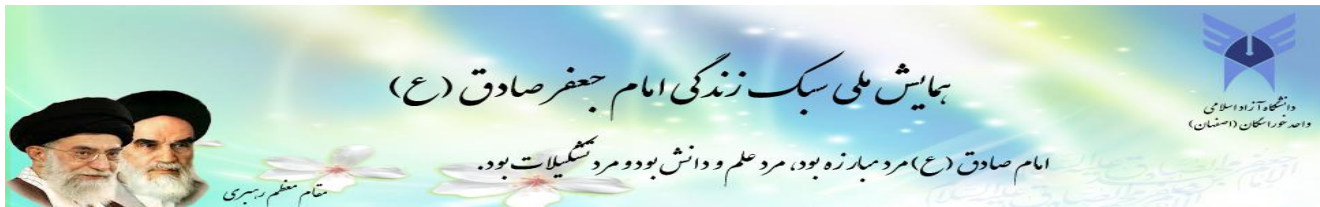
واژگان کلیدی: امام صادق (ع)، رشد علم، اسلام

^۱ - نویسنده مسئول، Email: setarehmousavi@gmail.com



مقدمه

تعلیم و تربیت یکی از اساسیترین فعالیت‌هایی است که در طی یک فرایند نسل اول می‌کوشد تا قدرت آگاهی نسل بعد از خود را در همه زمینه‌ها پرورش داده و آنها را برای برخورد با مسائل گوناگون آماده سازد. تعلیم و تربیت به مثابه جریانی است که باید در کنار آموزش دانش، قدرت تفکر را در فرد رشد دهد و تسلط او را بر محیط زندگی افزون کند. در آموزش و پرورش هم از علم صحبت می‌شود و هم از تفکر. هم پرورش عقلانیت مورد توجه است و هم از جنبه اجتماعی بودن انسان سخن به میان آمده است. محور کار در آموزش و پرورش جدید تفکر است و تفکر محور یادگیری قلمداد می‌شود. باید توجه داشت که تعلیم و تربیت فعلی کودک اساس کار آینده او را تشکیل خواهد داد. کودکان در جریان رشد روحی و جسمی خود دچار تغییرات تدریجی در رفتار، افکار، عادات، تمایلات و احساسات خود می‌شوند و این تغییرات می‌تواند مسائل و مشکلات خاصی را برای آنها فراهم سازد که گاه از حل آنها ناتوان است و عدم توجه به این نیازها و تغییرات می‌تواند سعادت آتی او را به مخاطره بیندازد. تربیت عبارت است از؛ فراهم آوردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهاى شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدف‌های مطلوب با استفاده از روش‌های صحیح. تربیت از سویی علم است چون دارای موضوع و هدف و روش است. از سویی فن است زیرا جریان نشو و نمای قوای انسانی با فنونی باید تحت مراقبت آید. ممکن است فردی با سواد و عالم باشد ولی معلم نباشد. تربیت از سویی هنر است چون در آن توجه به لطافت‌ها و ریزه کاری‌هایی است که برای دوباره ساختن و سازمان دادن ضروری است (صادقی و پورجوادی ۲۰۱۲). از سوی دیگر، خدمت است به خود فرد و به جامعه انسانی است و به وسیله آن می‌توان فرد را موجودی مفید ساخت و به حقیقت آدمیت واصل کرد. از آنچه درباره دین و تربیت گفته شد، روشن گردید که مفهوم «تربیت دینی» در ارتباط با سه محور شناخت، ایمان و عمل قابل تحقق است. این سه عنصر در تربیت دینی هر کس، نقش اساسی دارد و مربی بر همین اساس باید عمل تربیت دینی را اجرا کند. بنابراین، می‌توان گفت: «تربیت دینی» فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد. به بیان دیگر؛ تربیت دینی فرایندی دو سویه میان مربی و متربی که ضمن آن مربی با بهره‌گیری از مجموعه عقاید، قوانین و مقررات دینی تلاش می‌کند تا شرایطی فراهم آورد که متربی آزادانه در جهت رشد و شکوفایی استعدادهاى خود گام برداشته به سوی هدف‌های مطلوب رهنمون گردد. تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به فعلیت رسیدن قوای او در راه تقرّب به



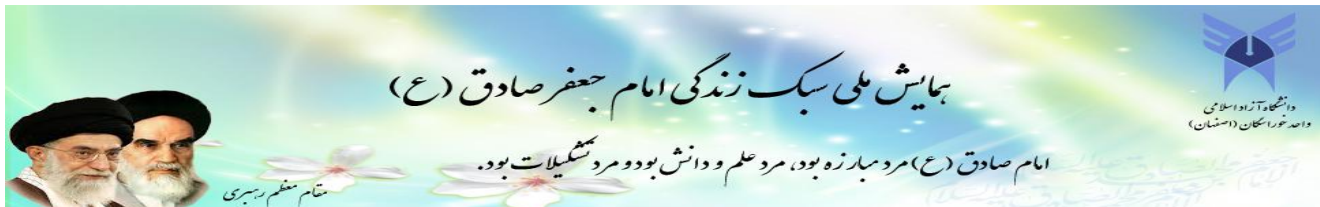
خداوند است. این عمل نیازمند آگاهی و تمرین عملی است. اگر پدر و مادر در جهت انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم کرده‌اند و خداوند بر آنان رحمت خواهد نمود. درباره عقیده صحیح و انتقال آن به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده والدین گذاشته شده است، زیرا تأثیر عقایدی که در خانواده رواج دارد و به فرزند القاء می‌شود در آینده او غیر قابل انکار است. خوشبختانه در روایات اهمیت توجه به مراحل رشد ذکر شده است. از امام صادق (ع) نقل شده است: فرزندان را بگو تا هفت سالگی بازی کند و هفت سال او را ادب آموز و در هفت سال سوم او را ملازم و همراه خود دار. گویی هفت سال نخست سال‌هایی است که کودک به طور غیر مستقیم و فقط از طریق مشاهده رفتار پدر و مادر می‌آموزد و در هفت سال دوم به آموزش مستقیم عقیدتی می‌پردازد و هفت سال سوم سال‌های ورود به میدان یادگیری حلال و حرام شریعت در مقام عمل است. از امام صادق (ع) روایت شده است: فرزند پسر هفت سال بازی می‌کند و هفت سال قرآن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام را یاد می‌گیرد (محمدباقر مجلسی، ج ۱، باب ۱).

ولادت، کمالات نفسانی و مقامات علمی

حضرت امام صادق (ع) در تاریخ هفدهم ربیع الاول سال ۸۳ هجری در مدینه منوره به دنیا آمد.^۲ مکنی به (ابو عبدالله) و ملقب به (صادق) است. [گفته می‌شود این لقب را پیامبر اکرم (ص) به ایشان داده است]. مدت زندگانی حضرت، ۶۵ سال و مدت زمان امامت آن حضرت، ۳۴ سال بود. آن حضرت ۱۲ سال در مدینه با جد بزرگوارش امام سجاد (ع) و ۱۹ سال با پدرش امام باقر (ع) زندگی کرد. در این مدت، دشواری‌ها و سختی‌های زندگی در حکومت حاکمان ظالم بنی امیه را شاهد بود و همراه با پدرش در راه نشر معارف اهل بیت (ع) تلاش می‌کرد. مالک بن انس در مورد شخصیت و مقام علمی و عملی امام صادق (ع) می‌گوید: «و لقد كنت أتي جعفر بن محمد [ع] و كان كثير المزاح و التبسّم، فاذا ذكر عنده النبي (ص) اخضر و اصفر و لقد اختلف اليه زماناً و ما كانت اراه الا على ثلاث خصال: اما مصلياً و اما صائماً و اما يقرأ القرآن و ما رأيته قطّ يحدث عن رسول الله (ص) الا على الطهارة، ولا يتكلم في ما لا يعنيه و كان من العلماء الزهاد الذين يخشون الله و ما رأيته قطّ الا خرج الوسادة من تحته و يجعلها تحتي».^۳ ترجمه: مدتی خدمت جعفر بن محمد [ع] مشرف می‌شدم. آن حضرت اهل مزاح و تبسم بود. هنگامی که در محضر ایشان نامی از پیامبر (ص) برده می‌شد، رنگش به سبزی و سپس به زردی می‌گرایید (شیخ اسد حیدر

^۲ - کلینی (ره)، اصول الکافی ج ۱ ص ۴۷۲؛ مفید (ره)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد ج ۲ ص ۱۷۹؛ طبرسی (ره)، اعلام الوری بأعلام الهدی ص ۲۶۶.

^۳ - ابن حجر، تهذیب التهذیب ج ۱ ص ۸۸؛ أسد حیدر (ره)، الإمام الصادق (ع) و المذاهب الاربعه ج ۲ ص ۵۳؛ گروه نویسندگان، اعلام الهدایة: الإمام جعفر بن محمد "الصادق" [ج ۸، ص ۴۲].



۱۴۰۸ق)، در مدت رفت و آمد به منزل ایشان، او را از سه حالت خارج ندیدم؛ یا نماز می خواند و یا روزه بود و یا به قرائت قرآن مشغول بود و هرگز بدون وضو از حضرت رسول(ص) حدیث نقل نمی فرمود و سخنی که به درد من نخورد، بر زبان جاری نمی ساخت، ایشان از علمای زاهدی بود که ترس از خدا سراسر وجودش را فرا گرفته بود، هرگز به خدمت او شرف یاب نشدم جزء اینکه زیرانداز خود را برای نشستن من اختصاص می داد. جاحظ (از علمای قرن سوم) نیز می گوید: «جعفر بن محمد [ع] الذی ملا الدنيا علمه و فقهه و یقال ان ابا حنیفه من تلامذته و كذلك سفیان الثوری و حسیبک بهما فی هذا الباب»^۴.
ترجمه: جعفر بن محمد [ع] کسی بود که علم و فقهش عالم را فرا گرفته بود و گفته می شود ابو حنیفه و سفیان ثوری از شاگردان او بودند و شاگردی این دو در عظمت علمی او کافیه است.
حسن بن علی الوشاء [از اصحاب امام رضا (ع)] می گوید: «در مسجد کوفه ۹۰۰ نفر را دیدم که "حدیثی جعفر بن محمد [ع] می گفتند". شیخ مفید (ره) می فرماید: «و لم ینقل العلماء عن احد من اهل بینه ما نقل عنه (ع)»^۵.
ترجمه: علمای اسلام آنقدر حدیث که از امام صادق (ع) نقل کرده اند از هیچ کدام ائمه (ع) دیگر نقل نکرده اند. امام صادق (ع) با توجه به موقعیت و اوضاع سیاسی جامعه فرصتی به دست آوردند تا احادیث و معارف اسلام را در زمینه های تفسیر قرآن، فقه و احکام و عقاید توسط شاگردان خود در سینه تاریخ ثبت و برای همیشه اسلام را بیمه نمایند. آن حضرت، نهضت علمی و انقلاب فرهنگی امام باقر (ع) را توسعه داد و در رشته های علوم عقلی، فقهی و نقلی شاگردان برجسته ای همانند: هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مومن الطاق، مفضل بن عمر و جابر بن حیان و... تربیت کرد به طوری که تعداد آنان را بالغ بر ۴۰۰۰ نفر ذکر کرده اند (علی قائمی، ۱۳۷۷). پیرامون عظمت شخصیت علمی و کمالات معنوی امام صادق (ع) عبارات و سخنان فراوانی نقل شده که در کتاب الإمام الصادق (ع) و المذاهب الاربعه تألیف مرحوم شیخ اسد حیدر (ره) گردآوری شده است.^۶

اوضاع اجتماعی - سیاسی و نقش امام صادق (ع)

یکی از مسائلی که در عصر امام صادق (ع) از اهمیت والائی برخوردار بود، مسئله استماع حدیث از ناحیه عده ای از افرادی است که در میان آنها هم شیعه و طرفدار واقعی و هم دشمن و معاند اسلام دیده می شود، زیرا تمامی

^۴ - جاحظ، رسائل جاحظ ص ۱۰۶.

^۵ - أسد حیدر (ره)، الإمام الصادق (ع) و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۵۱ الی ۶۲.

^۶ - اربلی (ره)، کشف الغمّه فی معرفه الائمه (ع) ج ۲ ص ۱۶۶؛ پیشوائی، سیره پیشوایان... ص ۳۵۲.

^۷ - مفید (ره)، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد ج ۲ ص ۱۷۹.



شاگردان حضرت نمی توانستند تفکر و اندیشه خود را در یک زاویه صحیح قرار داده و همه معارف دینی خود را همانند محمد بن مسلم و زراره اخذ نمایند و حتی در صف شاگردان امام صادق (ع) کسانی که طرفداران سرسخت خلافت بنی امیه و بنی عباس بودند حاضر می شدند و پراکنده شدن این عده در اطراف جامعه اسلامی باعث تفسیر و توجیه عقاید مختلف با بینش های گوناگون می شد و جریان های سیاسی موجود در جامعه نیز به اختلاف عقاید و برداشت ها تاثیر می گذاشتند. در نتیجه یکی از حوادث عمیق این عصر، فراوانی شاگردان با اختلاف وسیع فکری و عقیدتی در گوشه کناره های جامعه اسلامی بود.

امام صادق (ع) هم با توجه به این مسئله از ناقلان صحیح احادیث شدیداً حمایت می کرد، چنان چه در جمله ای فرمودند: « رحم الله زراره بن أعین، لولا زراره و نظراوه لاندروست احادیث أبی ». ^۱ ترجمه: خداوند زراره را رحمت کند، به درستی اگر او و امثال او نبودند احادیث پدرم از میان می رفت (احمد خدایی، ۱۳۵۰).

روش شناسی تحقیق

پژوهش مورد نظر، از نوع کیفی است یکی از ویژگی های عمده ی تحقیق کیفی این است که به بررسی یک مسئله به صورت عمیق پرداخته و با تعقل، استدلال، تفکر و منطق در مورد مسئله به تجزیه و تحلیل می پردازد. در این روش از داده های آماری استفاده نمی شود (پژوهش های کیفی یک رویکرد پژوهشی است که به منظور درک و تفسیر پدیده های انسانی و اجتماعی به کار می رود و برای رسیدن به درک عمیق از پدیده مورد نظر است) پژوهش مورد نظر سعی بر تبیین نقش امام جعفر صادق (ع) در رشد علمی جامعه و مسلمانان دارد و بایک رویکرد درون دینی به پژوهش نظر می افکند. یعنی تحلیل ها در چهار چوب آموزه های دین اسلام صورت می پذیرد و به آموزه های آن متعهد و پایبند هستیم. پس بنابراین روش به کار برده شده روش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. توصیفی از این جهت که در استخراج روش ها از روش استنباط استفاده می شود. استنباط در تحقیقات علوم اسلامی به عنوان استخراج حکم شرعی در خصوص موضوعات از ادله شرعی به ویژه قران و احادیث شناخته می شود. می توان این تعریف را با اندکی تغییر در مورد پژوهش های تربیتی به کار برد. استنباط در تحقیقات تربیتی به معنای استخراج حکم تربیتی در زمینه موضوعات معین با استفاده از آرای امام جعفر صادق (ع) در زمینه های مختلف فلسفی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی می باشد.

پایه گذاری نهضت علمی و تدوین فقه اهل بیت (ع)

^۱ - طوسی (ره)، اختیار معرفة الرجال ص ۱۳۶.

بهایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)



مقام معظم رهبری

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

این پاره ای از وضعیت اجتماعی، فکری جامعه اسلامی بود که ذکر شد، اما غالب حرکت جامعه که می توان به آن ارزش فراوان قائل شد مسئله نقل احادیث و پایه گذاری نهضت عظیم علمی توسط امام صادق (ع) می باشد که به طرـــــــــــــور خلاصـــــــــــــه ذکـــــــــــــر مـــــــــــــر مـــــــــــــی شـــــــــــــود:

زمینه های گسترش این نهضت بزرگ از عصر امام باقر (ع) شروع شد، زیرا در آن عصر حرکت ها و جنبش های سیاسی بر علیه دستگاه خلافت اموی از طرف شیعیان و مخالفان آغاز گردید و درست در آغاز امامت امام صادق (ع) این درگیری ها به اوج خود رسید و می رفت که قیام بنی عباس بر علیه بنی امیه، باعث اضمحلال و نابودی بنی امیه گردد. حضرت در این زمان با تدبیر خاص و تیز هوشی فراوان از فرصت استفاده کردند و تصمیم به نشر معارف و احادیث نبوی (ص) و پدران بزرگوارش گرفتند که مسئله باعث تدوین فقه مترقی و بنیادین شیعه اثناعشری گردید.

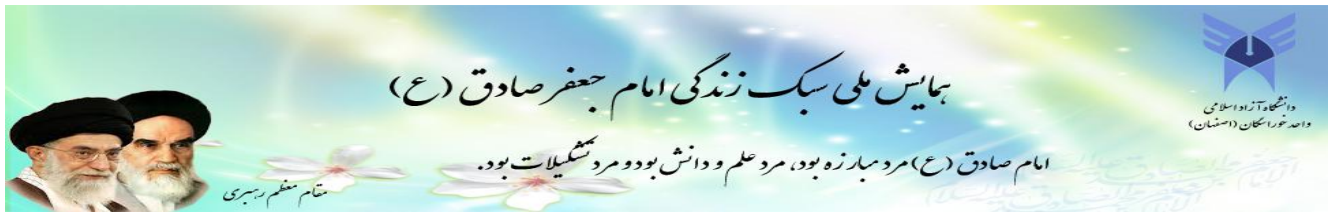
ابان بن تغلب (یکی از شاگردان امام) می گوید: « الشیعۀ، الذین اذا اختلف الناس عن رسول الله (ص) أخذوا بقول علی (ع) و اذا اختلف الناس عن قول علی (ع) أخذوا بقول جعفر بن محمد (ع) ».^۹

ترجمه: شیعیان کسانی هستند که وقتی مردم در قول و سخن پیامبر (ص) اختلاف کردند، سخن امیر المؤمنین (علی (ع) را بپذیرند و وقتی در سخن او هم اختلاف شد، سخن جعفر بن محمد الصادق (ع) را می گیرند. یکی از مسائل دیگری که در اواخر این عصر به وقوع می پیوندد، فشار سیاسی از ناحیه حکومت ظالم و غاصب اموی بر شیعیان می باشد به طوری که امام صادق (ع) بر مسئله تقیه اصرار می ورزد و اگر کوچک ترین اتهامی شبیه (رفض) به کسی وارد می شود کافی بود که احترام جانی و مالی او از بین رفته و گرفتار شکنجه و نابودی شود (علی قائمی، ۱۳۷۷).

سخنان حکمت آمیز حضرت امام جعفر صادق (ع)

در کتاب "مجموعه شهید اول (ره)" از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند:

- ۱- طلبت الجنة، فوجدتها فی السخاء: بهشت را جستجو نمودم، پس آن را در بخشنده‌گی و جوانمردی یافتم.
- ۲- و طلبت العافیة، فوجدتها فی العزلة: و تندرستی و رستگاری را جستجو نمودم، پس آن را در گوش‌هگیری (مثبت و سازنده) یافتم.
- ۳- و طلبت ثقل المیزان، فوجدته فی شهادة و سنگینی: «ان لا اله الا الله و محمد رسول الله» ترازوی اعمال را جستجو نمودم، پس آن را در گواهی به یگانگی خدا تعالی و رسالت حضرت محمد (ص) یافتم.

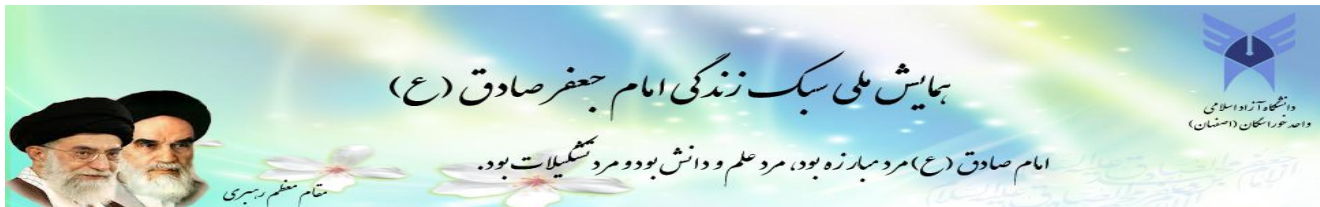


- ۴- و طلبت السرعة في الدخول الى الجنة، فوجدتها في العمل لله تعالى: سرعت در وردبه بهشت را جستجو نمودم، پس آن را در کار خالصانه برای خدای تعالی یافتم.
- ۵- و طلبت حب الموت، فوجدته في تقديمالمال لوجه الله: نو دوست داشتن مرگ را جستجو نمودم، پس آن را در پیش فرستادن ثروت (انفاق) برای خشنودی خدای تعالی یافتم.
- ۶- و طلبت حلاوة العباد، فوجدتها في تركالمعصية: نو شیرینی عبادت را جستجو نمودم، پس آن را در ترک گناه یافتم.
- ۷- و طلبت رقة القلب، فوجدتها في الجوع والعطش: نو رقت (نرمی) قلب را جستجو نمودم، پس آن را در گرسنگی و تشنگی (روزه) یافتم.
- ۸- و طلبت نور القلب، فوجدته في التفكير والبكاء: نو روشنی قلب را جستجو نمودم، پس آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم.
- ۹- و طلبت الجواز على الصراط، فوجدته في الصدقة: نو (آسانی) عبور بر صراط را جستجو نمودم، پس آن را در صدقه یافتم.
- ۱۰- و طلبت نور الوجه، فوجدته في صلاةالليل: نو روشنی رخسار را جستجو نمودم، پس آن را در نماز شب یافتم.

سیمای زندگی امام جعفر صادق (علیه السلام)

تولد: تولد این امام در روز دوشنبه هفدهم ربیع الاولی سال هشتاد و سه هجری در مدینه واقع شد. مادرش ام فروه و پدرش امام باقر (علیه السلام) بوده است. نام مبارکش، جعفر و القابش، صادق، صابر، فاضل و طاهر بوده و کنیه اش ابو عبدالله است. در سن سی و دو سالگی به مقام امامت رسید و سی و سه سال مقام امامت را به عهده داشت. عاقبت در سن شصت و پنج سالگی بدست منصور دوانقی بشهادت رسید. مرقد شریفش در قبرستان بقیع است. مذهب شیعیان و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) به نام جعفری مزین شده است زیرا آن حضرت از فرصتها استفاده کرد و علم اهل بیت (علیهم السلام) را که از زمان رحلت پیامبر، مورد ظلم قرار گرفته بود، منتشر کرد و شاگردان زیادی تربیت نمود و در محضرش چهار هزار نفر حاضر می شدند. حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رئیس مذهب جعفری (شیعه) در روز ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ هجری چشم به جهان گشود.

پدرش امام محمد باقر (ع) و مادرش "ام فروه" دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر می باشد. کنیه آن حضرت: "ابو عبدالله" و لقبش "صادق" است. حضرت صادق تا سن ۱۲ سالگی معاصر جد گرامیش



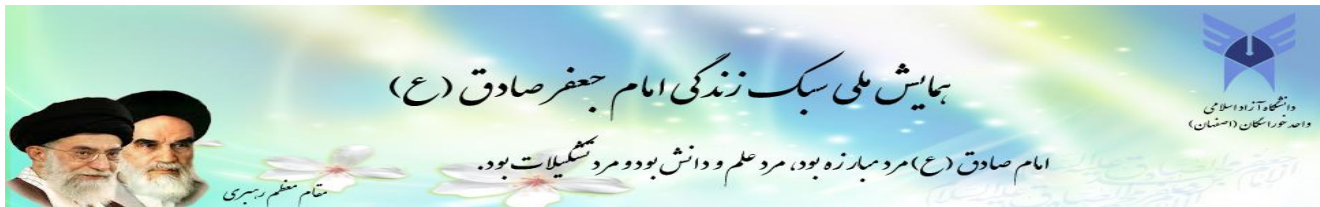
حضرت سجاد بود و مسلماً تربیت اولیه او تحت نظر آن بزرگوار صورت گرفته و امام (ع) از خرمن دانش جدش خوششماره چینش می کرد اســـــت.

پس از رحلت امام چهارم مدت ۱۹ سال نیز در خدمت پدر بزرگوارش امام محمد باقر (ع) زندگی کرد و با این ترتیب ۳۱ سال از دوران عمر خود را در خدمت جد و پدر بزرگوار خود که هر یک از آنان در زمان خویش حجت خدا بودند، و از مبدأ فیض کسب نور می نمودند گذرانید. بنابراین صرف نظر از جنبه الهی و افاضات رحمانی که هر امامی آن را دار می باشد، بهره مندی از محضر پدر و جد بزرگوارش موجب شد که آن حضرت با استعداد ذاتی و شم علمی و ذکاوت بسیار، به حد کمال علم و ادب رسید و در عصر خود بزرگترین قهرمان علم و دانش گردید.

پس از درگذشت پدر بزرگوارش ۳۴ سال نیز دوره امامت او بود که در این مدت "مکتب جعفری" را پایه ریزی فرمود و موجب بازسازی و زنده نگهداشتن شریعت محمدی (ص) گردید. زندگی پر بار امام جعفر صادق (ع) مصادف بود با خلافت پنج نفر از بنی امیه (هشام بن عبدالملک - ولید بن یزید - یزید بن ولید - ابراهیم بن ولید - مروان حمار) که هر یک به نحوی موجب تألم و تأثر و کدورت روح بلند امام معصوم (ع) را فراهم می کرده اند، و دو نفر از خلفای عباسی (سفاح و منصور) نیز در زمان امام (ع) مسند خلافت را تصاحب کردند و نشان دادند که در بیداد و ستم بر امویان پیشی گرفته اند، چنانکه امام صادق (ع) در ۱۰ سال آخر عمر شریفش در نـــــامنی و نـــــاراحتی بیشـــــتری بســـــر میـــــبرد.

عصر امام صادق (ع): عصر امام صادق (ع) یکی از طوفانی ترین ادوار تاریخ اسلام است که از یک سواغتشاشها و انقلابهای پیاپی گروههای مختلف، بویژه از طرف خونخواهان امام حسین (ع) رخ می داد، که انقلاب "ابو سلمه" در کوفه و "ابو مسلم" در خراسان و ایران از مهمترین آنها بوده است. و همین انقلاب سرانجام حکومت شوم بنی امیه را برانداخت و مردم را از یوغ ستم و بیدادشان رها ساخت. لیکن سرانجام بنی عباس با تردستی و توطئه، بناحق از انقلاب بهره گرفته و حکومت و خلافت را تصاحب کردند. دوره انتقال حکومت هزار ماهه بنی امیه به بنی عباس طوفانی ترین و پر هرج و مرج ترین دورانی بود که زندگی امام صادق (ع) را فراگرفته بود. و از دیگر سو عصر آن حضرت، عصر برخورد مکتبها و ایده‌تولوزیها و عصر تضاد افکار فلسفی و کلامی مختلف بود، که از برخورد ملت‌های اسلام با مردم کشورهای فتح شده و نیز روابط مراکز اسلامی با دنیای خارج، به وجود آمده و در مسلمانان نیز شور و هیجانی برای فهمیدن و پژوهش پدید آورده بود.

عصری که کوچکترین کم کاری یا عدم بیداری و تحرک پاسدار راستین اسلام، یعنی امام (ع)، موجب نابودی دین و پوسیدگی تعلیمات حیات‌بخش اسلام، هم از درون و هم از بیرون می شد.

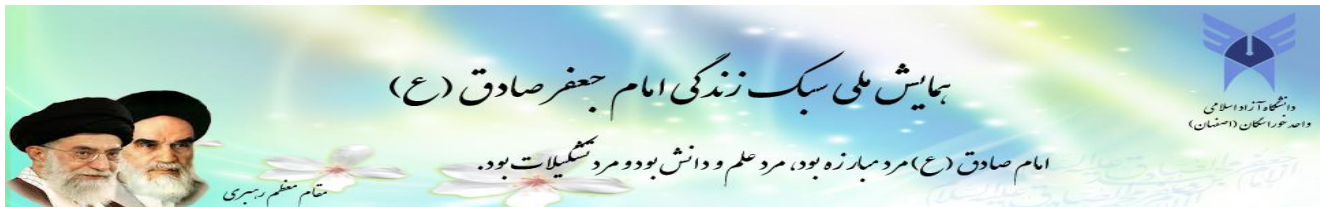


اینجا بود که امام (ع) دشواری فراوان در پیش و مسؤولیت عظیم بر دوش داشت. پیشوای ششم در گیر و دار چنین بحرانی می‌بایست از یک سو به فکر نجات افکار توده مسلمانان از الحاد و بی‌دینی و کفر و نیز مانع انحراف اصول و معارف اسلامی از مسیر راستین باشد، و از توجیهاات غلط و وارونه دستورات دین به وسیله خلفای وقت جلوگیری کند.

علاوه بر این، با نقشه‌ای دقیق و ماهرانه، شیعه را از اضمحلال و نابودی برهاند، شیعه‌ای که در خفقان و شکنجه حکومت پیشین، آخرین رمقها را می‌گذراند، و آخرین نفرات خویش را قربانی می‌داد، و رجال و مردان با ارزش شیعه یا مخفی بودند، و یا در کر و فر و زرق و برق حکومت غاصب ستمگر ذوب شده بودند، و جرأت ابراز شخصیت نداشتند، حکومت جدید هم در کشتار و بی‌عدالتی دست کمی از آنها نداشت و وضع به حدی خفقان‌آور و ناگوار و خطرناک بود که همگی یاران امام (ع) را در معرض خطر مرگ قرار می‌داد، چنانکه زنده‌هایشان جزو لیست سیاه مرگ بودند. جابر جعفی "یکی از یاران ویژه امام است که از طرف آن حضرت برای انجام دادن امری به سوی کوفه می‌رفت. در بین راه قاصد تیز پای امام به او رسید و گفت: امام (ع) می‌گوید: خودت را به دیوانگی بزن، همین دستور او را از مرگ نجات داد و حاکم کوفه که فرمان محرمانه ترور را از طرف خلیفه داشت از قتلش به خاطر دیوانگی منصرف شد. جابر جعفی که از اصحاب سر امام باقر (ع) نیز می‌باشد می‌گوید: امام باقر (ع) هفتاد هزار بیت حدیث به من آموخت که به کسی نگفتم و نخواهم گفت... او روزی به حضرت عرض کرد مطالبی از اسرار به من گفته‌ای که سینه‌ام تاب تحمل آن را ندارد و محرمی ندارم تا به او بگویم و نزدیک است دیوانه شوم. امام فرمود: به کوه و صحرا برو و چاهی بکن و سر در دهانه چاه بگذار و در خلوت چاه بگو: حدثنی محمد بن علی بكذا وكذا... یعنی امام باقر (ع) به من فلان مطلب را گفت، یا روایت کرد. آری، شیعه می‌رفت که نابود شود، یعنی اسلام راستین به رنگ خلفا درآید، و به صورت اسلام بنی امیه‌ای یا بنی عباسی خودنمایی کند.

عبادت و مکارم اخلاق امام صادق (علیه السلام)

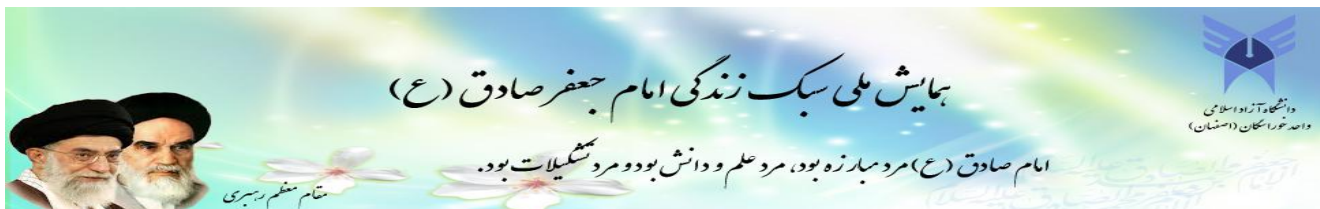
مالک بن انس گفت: حضرت از سه حال بیرون نبود. یا روزه بود و یا مشغول عبادت بود و یا بذکر خدا مشغول بود. او از بزرگان عابد و از عظیم‌ترین زاهدان بود. ابان بن تغلب گوید: خدمت امام در حالیکه مشغول نماز بود، رسیدم. ذکرهای رکوع و سجده او را شمردم، از شصت بار بیشتر بود. «عبدالله بن سنان می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: پسرعموئی دارم که هرچه با او می‌پیوندم او از من می‌برد! لذا من تصمیم گرفته‌ام که اگر از من بربود منم از او بپریم. بمن اجازه می‌فرمائید که منم با او قطع رابطه کنم؟ فرمود: اگر با او ارتباط داشته باشی و او از تو



بُرد، خدای عزوجل شما را با هم می پیوندد. و اگر تو از او بگری او هم از تو بُرد، خدا از هر دوی شما بُرد.» (بحار، ج ۷۴) «شخصی به امام صادق (علیه السلام) گفت: همسایه ای دارم که اهل غناست. وقتی من برای قضاء حاجت به دستشویی می روم، برای شنیدن از صداهای غنای همسایه، بیشتر می مانم! آیا این اشکال دارد؟ امام فرمود: نباید بیشتر بمانی که خدا فرموده است: همانا گوش و چشم و دل مورد سؤال واقع می شوند.» (اسراء، ۳۶) او گفت: گویا تاکنون این آیه را نشنیده بودم و انشاء الله توبه می کنم! امام فرمود: حال بلند شو و نماز بخوان که گناهت بزرگ است و اگر در چنین حالی اجلت رسیده بود، خیلی برایت بد بود» ۹-

علم امام صادق (علیه السلام) محقق حلی در کتاب معتبر نوشته است که: از امام صادق (علیه السلام) در زمینه علوم آنقدر منتشر شده است که عقلها به حیرت می افتد. فقط یک نفر راوی از حضرت، سی هزار روایت از امام نقل کرده است. همچنان که خود امام فرمود: ابان بن تغلب از من سی هزار حدیث نقل کرده است. معلی بن خنیس می گوید: دیدم که امام صادق (علیه السلام) با کیسه ای بردوش به جایی می رود. اجازه گرفتم که ایشان را همراهی کنم. با حضرت به محله فقراء رفتیم و امام بر بالای سر آنان که همگی در خواب بودند، مقداری غذا می گذاشت. من پرسیدم که اینها شیعه هستند؟ امام فرمود: اگر شیعه بودند که ما هر چه داشتیم حتی نمکمان را با آنها نصف می نمودیم (منتهی الامال، ج ۲). ابو جعفر خنعمی گوید: امام صادق (علیه السلام) کیسه ای پول بمن داد و فرمود: این را به فلان سید بده ولی نگو چه کسی آن را داده است.

منهم آن را به شخصیکه امام معرفی کرده بود دادم. او گفت: خدا جزای خیر به این کسیکه همیشه بمن کمک کند، بدهد ولی جعفر بن محمد حتی یک درهم هم بمن کمک نمی کند (منتهی الامال، ج ۲)! «امام ششم (علیه السلام): عده ای به محضر پیامبر آمدند و گفتند: ما عازم مسافرت به شام هستیم. بما سخنی بیاموز! حضرت فرمود: شب هنگام، هر کجا برای استراحت توقف نمودید، وقتی به بستر رفتید، قبل از خواب، تسبیح فاطمه (علیها السلام) و آیه الكرسی را بخوانید که شما را از هر چیزی حفظ می کند. آنها رفتند و هنگام خواب دستور حضرت را بکار بستند. در آن حوالی راهزنانی بودند که این عده را زیر نظر گرفته و منتظر بودند که شب بشود و به اینها دستبرد بزنند. وقتی شب شد یکی از راهزنان برای آگاهی از موقعیت مسافری، به محل استراحت آنان آمد ولی غیر از دیوار بلندی که دور تا دور آن محل را فرا گرفته بود، چیزی ندید! برگشت و این قضیه را به راهزنان خبر داد. راهزنان سخن او را قبول نکرده و گفتند: تو آدم ضعیفی هستی و از ترس این حرف را می زنی! اما وقتی خود به محل آمدند و آن دیوار بلند را دیدند، بناچار برگشتند. فردا صبح باز به آن محل رفتند



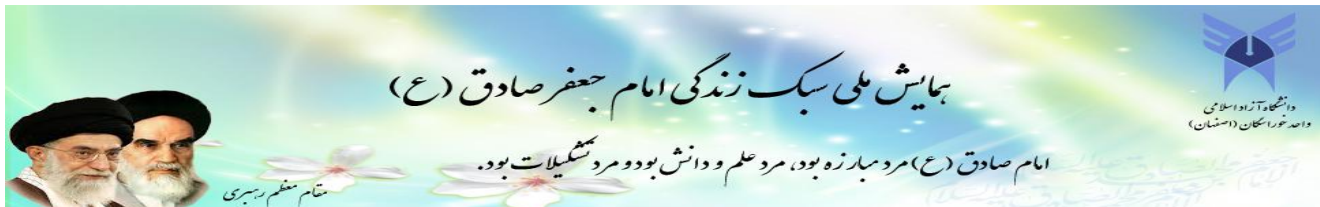
واز دیوار خبری نبود و مسافرین آنجا بودند. راهزنان از مسافرین پرسیدند: شما دیشب کجا بودید؟ گفتند: همین جا! راهزنان گفتند: دیشب ما آمدیم ولی جز دیوار بلندی چیزی ندیدیم! قصه شما چیست؟ آنان گفتند: پیامبر بما سفارش کرده است که شب قبل از خواب، تسبیح فاطمه (علیها السلام) و آیه الكرسی را بخوانیم و ما هم همینکار را کردیم. راهزنان گفتند: شما آزادید و به هر کجاکه می خواهید بروید که بخدا سوگند! ما هرگز شما را تعقیب نمی کنیم و بدانید که تا زمانی که بدستور پیامبرتان عمل می کنید، هیچ راهزنی نمی تواند بشما آسیب برساند!» ص ۳۳۶

«روایت شده که در وقت سوار شدن به کشتی این دعا را بخوانند: بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِکِ الْحَقِّ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْاَرْضَ جَمِيعًا مَبْضُغَةً یَوْمَ الْقِیْلَمَةِ وَالسَّمَاوَاتِ مَطْوِیَّاتٌ بَیْمِیْنِهِ. سُبْحٰنَہُ وَتَعَالٰی عَمَّا یُشْرکُونَ. بِسْمِ اللّٰهِ مَجْرٰہَا وَمُرْسَاہَا. اِنَّ رَبَّی لَغَفَّیْ لَغْفٌ وَّ رَحِیْمٌ.»

«عده ای مهمان امام صادق (علیه السلام) شدند. حضرت از آنها خوب پذیرائی نمود و موقعی که می خواستند بروند، امام برای آنها توشه سفر تهیه دید. ولی وقت خارج شدن آنها، به غلامانش فرمود: موقع رفتن در بردن بارهایشان کمک نکنید! آنها در هنگام خدا حافظی به امام گفتند: یا بن رسول الله! تو خوب از ما پذیرائی نمودی و اموالی ما بخشیدی! ولی چرا به غلامانت دستور دادی که در بردن بارها ما را کمک نکنند؟ امام فرمود: ما خاندانی هستیم که به رفتن مهمان کمک نمی کنیم.» (مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰)

نهضت علمی امام صادق علیه السلام

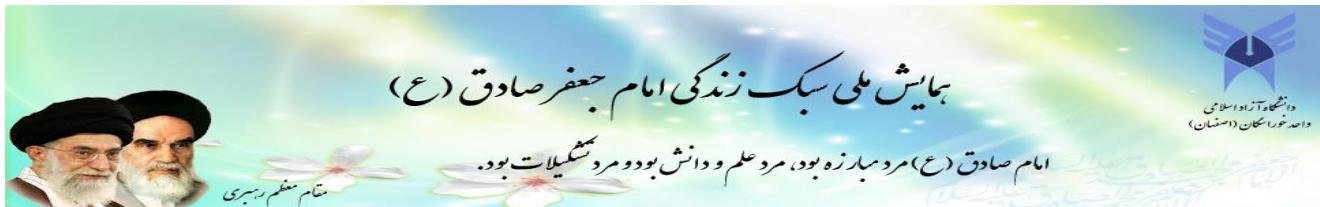
:معاویه در دوران حکومتش، میراث نبوت رسول الله را به حکومت و خلافت تبدیل کرد و تمام مقدسات را به دیده تمسخر نگریست. او بر طبق رویه پادشاهان، پسرش یزید را به خلافت نشانده و برای او از مردم بیعت گرفت و اسلامی را که با جهاد رسول الله و افرادی همانند حمزه و جعفر بن ابیطالب و علی بن ابیطالب پا گرفته بود، رو به نابودی کشاند. آیین و سنت احمدی را برانداخت و طبق گفتار خودش، روزه و نماز و حج و زکات را برای مردم دانست و سیاست امپراطوری و کسراگونه را بر عرب و عموم مسلمین جاری ساخت؛ حتی کار را به جایی رساند که مردم نه تنها شرف و فضل حضرت علی علیه السلام را نمی شناختند و سوابق او را در اسلام نمی دانستند، بلکه او را مردی متجاوز و متعدی تلقی می کردند. به این ترتیب، حقیقت نبوت که در ولایت و امامت متجلی بود، دستخوش فراموشی شد و از اسلام و قرآن جز اسمی باقی نماند. در این مقطع، اسلام و آیین محمدی نیاز مبرم به دو جنبش داشت (فائضی، ۱۳۷۷، ص ۴۹):



۱- جنبش علمی: که توسط امام حسین علیه السلام صورت گرفت و دستگاه سلطنت را مثل صاعقه تکان داد و همچون کوه آتشفشان جوشید. فریاد امام حسین به گونه‌ای بود که هر مرده‌ای را زنده و هر خوابی را بیدار کرد و عملاً نشان داد که آیین محمدی تبدیل به حکومت طاغوتی شده و دنیای اسلام به نام اسلام در آتش بیداد ستمگران ضد اسلام که سنت‌های جاهلی را به جای سنت‌های محمدی نشانده‌اند می‌سوزد و پرنده‌ی بلندپرواز صدق و امانت و ایثار و ولایت و محبت در دست صیاد خون آشام گرفتار است.

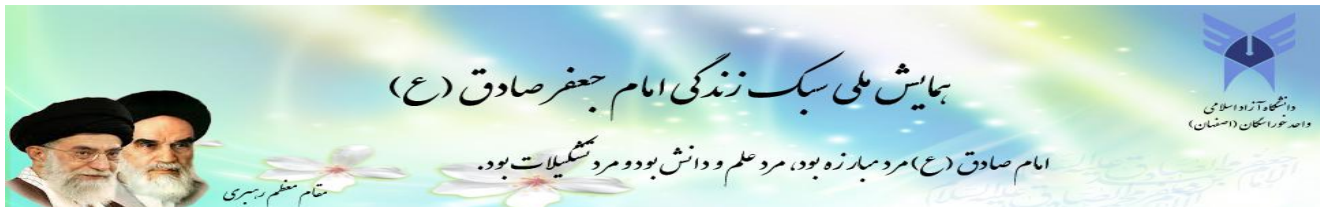
۲- جنبش علمی: این جنبش توسط حضرت صادق علیه السلام صورت گرفت. پس از قیام مسلمین علیه حکومت بنی امیه و قیام ابو مسلم خراسانی، فرصت خلافت و ریاست برای حضرت صادق علیه السلام از همه فراهم‌تر بود؛ ولی امام به این موقعیت اعتنائی نکرد، زیرا به خوبی می‌دانست که اگر حکومت را در دست گیرد، باید تمام وقتش را صرف اصلاحات و عزل والیان ستمکار و نصب والیان عادل و تنظیم دیوان قضایی و سرکوبی مخالفان کند و دیگر مجال پرداختن به بیان آیین رسول خدا و فقه و تفسیر حدیث و تبدیل سنت‌های جاهلی به سنت‌های محمدی و ارائه ولایت و اظهار اسلام راستین را ندارد (بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۷)

به همین دلیل با کوششی خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی در مدت سی سال آیین اسلام و روح پیامبر و ولایت علی را زنده کرد و مکتب جعفری را پایه نهاد. اگر چه تمام امامان علیهم‌السلام پاسدار همین مکتب و آیین بودند، ولی موقعیت علمی او، به خصوص در آن موقعی که علما و حکما و فیلسوفان همه‌ی مذاهب و ادیان آزادانه به نشر آثار خود می‌پرداختند، این قرعه به نام امام صادق علیه السلام افتاد. امام با تشکیل مدرسه علمی در مدینه و عراق و تربیت چندین هزار شاگرد و محدث و مفسر و خطیب و حکیم، آنچه را که باید می‌آموخت، آموخت و از آنچه باید پرده برمی‌داشت، پرده برداشت؛ به طوری که دشمن و دوست و مخالف و موافق به سرشار بودن علم و کمال، تقوی، تعالی فکر، قدرت نظر، همت عالی و مکتب والای او اقرار می‌کردند. بهره‌گیری هوشمندانه از منابع علمی تمدن اسلامی، به ویژه توجه به متون دینی و استنتاج اصول و قواعد علمی در رشته‌های مختلف، می‌تواند در بومی‌سازی منابع آموزشی و کمک آموزشی راهگشا باشد. تصور عمومی و اولیه دانشجویان و اساتید بر آن است که پیشوایان دین مبین اسلام بیشتر به حوزه فقه، اخلاق، عرفان و بخش‌هایی از علوم عقلی محض پرداخته، و نسبت به دانش تجربی به ویژه حوزه‌های کاربردی آن بی‌توجه بوده‌اند. مقاله پیش رو درصدد بیان غنای مکتب ائمه و توجه ایشان به مسائل مهم زندگی فردی و اجتماعی انسان هاست؛ از این رو، پس از طرح بیانات امام جعفر صادق (ع) از کتاب گران سنگ تحف العقول درباره صنعت و مصنوعات صنعتی، در حد اولیه به تشریح آن خواهیم پرداخت. اختلافات سیاسی بین امویان و عباسیان و تقسیم شدن اسلام به فرقه‌های مختلف و ظهور عقاید مادی و



نفوذ فلسفه یونان در کشورهای اسلامی، موجب پیدایش یک نهضت علمی گردید. نهضتی که پایه‌های آن بر حقایق مسلم استوار بود. چنین نهضتی لازم بود، تا هم حقایق دینی را از میان خرافات و موهومات و احادیث جعلی بیرون کشد و هم در برابر زندگیها و مادیها با نیروی منطق و قدرت استدلال مقاومت کند و آرای سست آنها را محکوم سازد. گفتگوهای علمی و مناظرات آن حضرت با افراد دهری و مادی مانند "ابن ابی العوجاء" و "ابو شاکر دیسانی" و حتی "ابن مقفع" معروف است. به وجود آمدن چنین نهضت علمی در محیط آشفته و تاریک آن عصر، کار هر کسی نبود، فقط کسی شایسته این مقام بزرگ بود که مأموریت الهی داشته باشد و از جانب خداوند پشتیبانی شود، تا بتواند به نیروی الهام و پاکی نفس و تقوا وجود خود را به مبدأ غیب ارتباط دهد، حقایق علمی را از دریای بیکران علم الهی به دست آورد، و در دسترس استفاده گویهرشناسان حقیقت قرار دهد. تنها وجود گرامی حضرت صادق (ع) می‌توانست چنین مقامی داشته باشد، تنها امام صادق (ع) بود که با کناره‌گیری از سیاست و جنگ‌های سیاسی از آغاز امامت در نشر معارف اسلام و گسترش قوانین و احادیث راستین دین مبین و تبلیغ احکام و تعلیم و تربیت مسلمانان کمر همت بر میان بست. زمان امام صادق (ع) در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج احکام و تربیت شاگردانی بود که هر یک مشعل نورانی علم را به گوشه و کنار بردند و در "خودشناسی" و "خداشناسی" مانند استاد بزرگ و امام بزرگوار خود در هدایت مردم کوشیدند. در همین دوران درخشان - در برابر فلسفه یونان - کلام و حکمت اسلامی رشد کرد و فلاسفه و حکمای بزرگی در اسلام پرورش یافتند. همزمان با نهضت علمی و پیشرفت دانش بوسیله حضرت صادق (ع) در مدینه، منصور خلیفه عباسی که از راه کینه و حسد، به فکر ایجاد مکتب دیگری افتاد که هم بتواند در برابر مکتب جعفری استقلال علمی داشته باشد و هم مردم را سرگرم نماید و از خوشه‌چینی از محضر امام (ع) بازدارد. بدین جهت منصور مدرسه‌ای در محله "کرخ" بغداد تأسیس نمود. منصور در این مدرسه از وجود ابوحنیفه در مسائل فقهی استفاده نمود و کتب علمی و فلسفی را هم دستور داد از هند و یونان آوردند و ترجمه نمودند، و نیز مالک را - که رئیس فرقه مالکی است - بر مسند فقه نشانند، ولی این مکتبها نتوانستند وظیفه ارشاد خود را چنانکه باید انجام دهند.

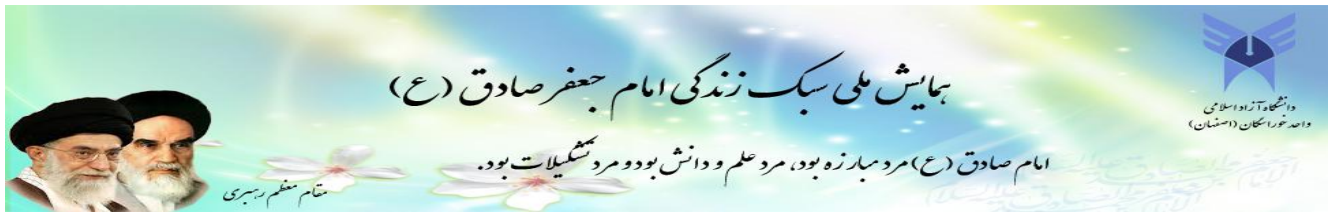
امام صادق (ع) مسائل فقهی و علمی و کلامی را که پراکنده بود، به صورت منظم درآورد، و در هر رشته از علوم و فنون شاگردان زیادی تربیت فرمود که باعث گسترش معارف اسلامی در جهان گردید. دانش‌گستری امام (ع) در رشته‌های مختلف فقه، فلسفه و کلام، علوم طبیعی و ... آغاز شد. فقه جعفری همان فقه محمدی یا دستوره‌های دینی است که از سوی خدا به پیغمبر بزرگوارش از طریق قرآن و وحی رسیده است. بر خلاف سایر فرقه‌ها که بر مبنای عقیده و رأی و نظر خود مطالبی را کم یا زیاد می‌کردند، فقه جعفری توضیح و بیان همان اصول و فروعی بود که در مکتب اسلام از آغاز مطرح بوده است (سادات، ۱۳۸۴، ص ۲۳).



ابو حنیفه رئیس فرقه حنفی درباره امام صادق (ع) گفت: من فقیه‌تر از جعفرالصادق کسی را ندیده‌ام و نمی‌شناسم. فتوای بزرگترین فقیه جهان تسنن شیخ محمد شلتوت رئیس دانشگاه الازهر مصر که با کمال صراحت عمل به فقه جعفری را مانند مذاهب دیگر اهل سنت جایز دانست - در روزگار ما - خود اعترافی است بر استواری فقه جعفری و حتی برتری آن بر مذاهب دیگر. و اینها نتیجه کار و عمل آن روز امام صادق (ع) است. در رشته فلسفه و حکمت حضرت صادق (ع) همیشه با اصحاب و حتی کسانی که از دین و اعتقاد به خدا دور بودند مناظراتی داشته است. نمونه‌ای از بیانات امام (ع) که در اثبات وجود خداوند حکیم است، به یکی از شاگردان واصحاب خود به نام "مفضل بن عمر" فرمود که در کتابی به نام "توحید مفضل" هم اکنون در دست است.

مناظرات امام صادق (ع) با طیب هندی که موضوع کتاب "اهلیجه" است نیز نکات حکمت‌آموز بسیاری دارد که گوشه‌ای از دریای بیکران علم امام صادق (ع) است. برای شناسایی استاد معمولاً دو راه داریم، یکی شناختن آثار و کلمات او، دوم شناختن شاگردان و تربیت‌شدگان مکتبش (فروع کافی جلد ۴ صفحه ۴۹).

کلمات و آثار و احادیث زیادی از حضرت صادق (ع) نقل شده است که ما حتی قطره‌ای از دریا را نمی‌توانیم به دست دهیم مگر "نمی‌ازیمی". اما شاگردان آن حضرت هم بیش از چهار هزار بوده‌اند، یکی از آنها "جابر بن حیان" است. جابر از مردم خراسان بود. پدرش در طوس به داروفروشی مشغول بود که به وسیله طرفداران بنی امیه به قتل رسید. جابر بن حیان پس از قتل پدرش به مدینه آمد. ابتدا در نزد امام محمد باقر (ع) و سپس در نزد امام صادق (ع) شاگردی کرد. جابر یکی از افراد عجیب روزگار و از نوابغ بزرگ جهان اسلام است. در تمام علوم و فنون مخصوصاً در علم شیمی تألیفات زیادی دارد، و در رساله‌های خود همه جا نقل می‌کند که (جعفر بن محمد) به من چنین گفت یا تعلیم داد یا حدیث کرد. از اکتشافات او اسید از تیک (تیزآب) و تیزاب سلطانی و الکل است. وی چند فلز و شبه فلز را در زمان خود کشف کرد. در دوران "رنسانس اروپا" در حدود ۳۰ رساله از جابر به زبان آلمانی چاپ و ترجمه شده که در کتابخانه‌های برلین و پاریس ضبط است. حضرت صادق (ع) بر اثر توطئه‌های منصور عباسی در سال ۱۴۸ هجری مسموم و در قبرستان بقیع در مدینه مدفون شد. عمر شریفش در این هنگام ۶۵ سال بود. از جهت اینکه عمر بیشتری نصیب ایشان شده است به "شیخ الاثمه" موسوم است. حضرت امام صادق (ع) هفت پسر و سه دختر داشت. پس از حضرت صادق (ع) مقام امامت بنا به امر خدا به امام موسی کاظم (ع) منتقل گردید. دیگر از فرزندان آن حضرت اسمعیل است که بزرگترین فرزند امام بوده و پیش از وفات حضرت صادق (ع) از دنیا رفته است. طایفه اسماعیلیه به امامت وی قائلند.



سخنانی از امام صادق (علیه السلام)

۱- «شاکر به شخصی گویند که خدا را بر هر نعمتی که به او داده از قبیل خانواده و ثروت، شکر گوید و حقوق الهی نسبت به اموالش را ادا نماید.»

۲- «خدا رحمت کند شیعیان ما را که از زیادی گِل ما خلق شدند و با آب محبت ما خمیر مایه شده‌اند. در شادی ما شاد و در عزای ما عزادارند.» (روضه کافی، ج ۸، ص ۱۵۰)

۳- «در هر نفس کشیدنی یک شکر بلکه هزار شکر و بیشتر لازم است و پائین‌ترین درجه شکر آنست که نعمت را فقط از خدا بداند و به آنچه خدا به او داده راضی باشد و خدا را با نعمتش معصیت نکند (مثلاً با چشم گناه نکند) و در امر و نهی الهی با نعمت خدا با خالق خود مخالفت ننماید. پس در هر حالی بنده شکرگذار خدا باشد، تا خدا را در هر حالی کریم ببینی.»

۴- «مثل دنیا مثل آب دریاست که هر چه بیشتر از آن می‌نوشید، بیشتر تشنه می‌شوید!»

۵- «هرگاه یکی از شما بیاد نعمتی از نعمتهای خداوند عزوجل افتاد، پیشانیش را برای شکرگزاری، بر روی خاک بگذارد. و اگر سواره بود، پیاده شود و سجده کند. و اگر بخاطر انگشت نداشتن نمی‌تواند پیاده شود، پیشانیش را بر زمین اسب (در زمان مافرمان ماشین) بگذارد و اگر اینهم نشد، پیشانیش را بر کف دست بگذارد و خدا را بر نعمتهایش شکر کند.»

۶- «عذاب کسیکه نطفه اش را در رحم زن نامحرم بریزد از همه بیشتر است.»

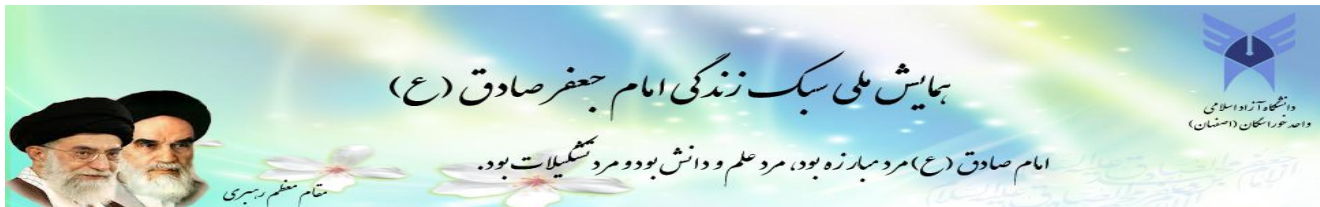
۷- «فردی مقداری آب می‌خورد و با آن بهشت برایش واجب می‌شود. زیرا موقع نوشیدن آب وقتی ظرف آب را نزدیک دهانش می‌برد، بسم الله می‌گوید. سپس مقداری می‌خورد و حمد می‌کند. دوباره می‌نوشد و حمد می‌کند. برای بار سوم مقداری می‌نوشد و حمد الهی می‌کند. بوسیله این یک بسم الله و سه بار حمد، بهشت برایش واجب می‌شود.»

۸- «ای میسر! اگر می‌خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن.»

۹- «مراد از علمی که پیامبر فرمود که طلب آن علم بر هر مرد و زنی واجب است، علم تقوی و یقین است.» و علامه مجلسی در توضیح علم تقوی و یقین می‌نویسد: مراد از علم تقوی، علم به واجبات و محرمات و تکالیف است و مراد از علم یقین، علم به اصول دین و اعتقادات می‌باشد.»

۱۰- «خدا می‌داند بنده اش چه می‌خواهد ولی دوست دارد که حاجتها گفته شود.» (حرعاملی، ج ۴، ص ۱۲۰).

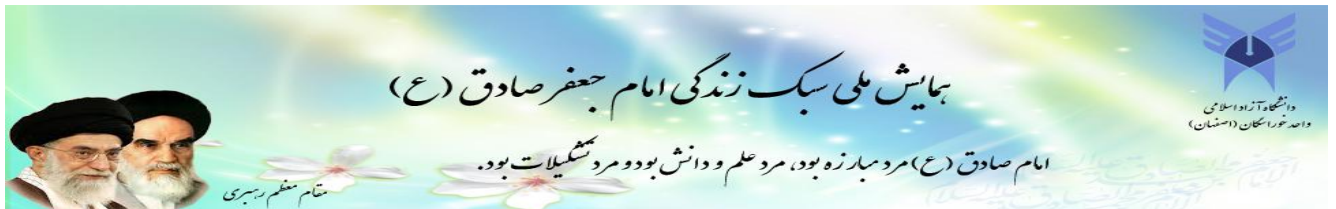
اهمیت علم از دیدگاه امام جعفر صادق



امام صادق فرمودند هر چیز که به ادبی بیاموزد علم است. امام صادق متوجه شده بود که ادب و علم علاوه بر این که فرهنگ مذهبی شیعه را تقویت می نماید وسیله تقویت مسلمین در قبال سایر اقوام است و طوری ادب و علم در دنیای اسلامی وسعت به هم رسانید که قرن چهارم هجری قرن طلایی ادب و علم در جهان اسلامی گردید و اروپائیان از علوم اسلامی خیلی استفاده کردند امام صادق عقیده داشت که نوع بشر در دوره طولانی زندگی خود در این جهان فقط مدتهایی کوتاه را اختصاص به علم داده است و بیشتر از علم بری بوده است و دوچیز او را از علم دور میکرد اول نداشتن مربی و معلم تا اینکه وی را تشویق به فراگرفتن علوم نماید دوم تنبلی انسان و اینکه چون فرا گرفتن علم زحمت داشت انسان از آن کار پر زحمت می گریخت. میتوانیم به یقین بگوییم که اطلاعات امام صادق راجع به پیدایش زمین خیلی بیشتر از معاصران بوده است چون گاهی از او چیزهایی شنیده میشد که نشان میداد از چگونگی آغاز خلقت اطلاع دارد یک روز به شاگردان خود گفت سنگهای بزرگ که بر کوه می بینید در آغاز مواد مذاب بوده که بعد از سرد شدن به این شکل در آمده است (باقری، ۱۳۸۴، ص ۳۶).

برای نشان دادن اهمیت این نظریه که در دوازده قرن پیش ابراز گردید کافی است بگوییم که در آغاز انقلاب فرانسه و پایان قرن هیجدهم میلادی هنوز علمای اروپا تردید داشتند که آیا زمین در آغاز یک جرم مذاب بوده یا نه؟ امام صادق گفت که خواص اشیاء وقتی به خوبی بر ما معلوم میشود که بتوانیم قسمت کوچک از یک شیء را بطور دقیق مورد تحقیق قرار دهیم و از روی خواص آن به خواص جسم بزرگ پی ببریم. از امام صادق پرسیدند: چه کسی را میتوان دانای مطلق دانست و در چه موقع ادبی احساس میکند که همه چیز را اموخته است امام گفت: این پرسش را باید به دو قسمت تجزیه کنید و هر یک را جداگانه از من پرسید اول اینکه چه کسی را میتوان دانای مطلق دانست در جواب می گویم جز ذات خدا دانای مطلق وجود ندارد و محال است از ابنای بشر کسی دانای مطلق باشد برای اینکه علم انقدر وسعت دارد که کسی نمیتواند به همه دانستنیها پی ببرد ولو اینکه هزاران سال عمر کند و پیوسته در حال تحصیل علم باشد (حسینی زاده، ۱۳۶۸، ص ۴۷).

شاید پس از هزاران سال عمر کردن بتوان به تمام علوم این جهان واقف شد اما در ماورا این جهان دنیاهایی است که در آن دنیاها علمی وجود دارد و آنکه تمام علوم این جهان را اموخت اگر وارد دنیاهای دیگر شود جاهل است و بایستی شروع به تحصیل نماید تا از علوم این دنیاها واقف شود. این است که جز ذات خدا دانای مطلق وجود ندارد.



چه موقع انسان از علم غنی میشود؟ امام صادق گفت: جواب این پرسش در اولین پاسخ داده شده و گفتم اگر انسان هزاران سال عمر کند و پیوسته مشغول تحصیل باشد تمام دانستیها را فرا نخواهد گرفت

بنا بر این هیچ کس هیچ زمان نمیتواند احساس کند که از علم غنی است فقط انهایی احساس میکنند که از علم غنی هستند که جاهل باشند از امام پرسیدند که منظور از علم دنیاهاى دیگر چیست؟

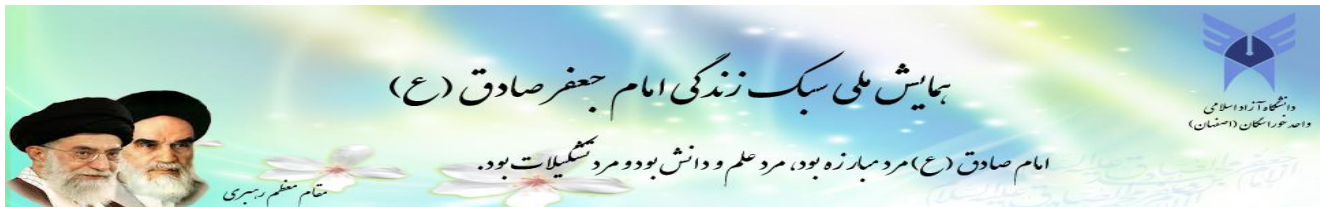
او گفت غیر از این جهان که در آن زندگی می کنیم دنیاهاى دیگری وجود دارد که بسی بزرگتر از این جهان است و در آن دنیاها علمى هست که شاید با علوم این جهان فرق داشته باشد

پرسیدند که شمار دنیاهاى دیگر چقدر است جواب داد جز خداوند کسی از شمار دنیاهاى دیگر اطلاع ندارد از او پرسیدند چگونه علوم دنیاهاى دیگر با علوم این جهان فرق دارد گفت: در دنیاهاى دیگر دو نوع علم وجود دارد نوعی از آن شبیه به علوم این جهان است و اگر کسی از این جهان به آن دنیاها برود میتواند آن علوم را فرا گیرد اما در بعضی از دنیاهاى دیگر شاید علمى وجود داشته باشد که اندیشه مردم این دنیا قادر به ادراک آنها نیست این گفته امام صادق برای دانشمندان نسلهای بعد یک معما شده بود بعضی آن را قابل قبول نمیدانستند و می گفتند که جعفر صادق آنچه را که در این مورد گفته موجه نیست

یکی از کسانی که در این گفته امام تردید کرد ابن راوندی اصفهانی است که از او نام بردیم و او گفت که عقل بشر قادر به ادراک هر چیز که علم باشد هست چه علوم این دنیا و چه علوم دنیاهاى دیگر ولی شاگردان جعفر صادق این گفته را پذیرفتند در این قرن که تئوری نسبیت انشتین یک فصل جدید و بدون سابقه در فیزیک به وجود آورد و بعد هم تئوری وجود (ضد ماده) از حدود تئوری تجاوز کرد و وارد مرحله علم گردید و بر دانشمندان محقق شد که ضد ماده هست گفته جعفر صادق قابل فهم میشود. چون در دنیای ضد ماده قوانین فیزیکی غیر از قوانین فیزیکی دنیای ماست از این بالاتر قوانین منطق و استدلال غیر از آن است که عقل ما قادر به ادراک آنها می باشد.

جهان ضد ماده دنیایی است که در آن درون اتم ها شارژ الکترون مثبت است و شارژ پروتون در هسته اتم منفی است. اما در دنیای ما درون اتم شارژ الکترون منفی است و شارژ پروتون در هسته اتم مثبت می باشد. در جهانی که شارژ الکترونهاى اتم مثبت است و شارژ پروتونهاى منفی معلوم نیست چه قوانین فیزیکی حکم فرمایی می کند.

نتیجه گیری



عصر آن حضرت همچنین عصر جنبش فرهنگی و فکری و برخورد فرق و مذاهب گوناگون بود. پس از زمان رسول خدا دیگر چنین فرصتی پیش نیامده بود تا معارف اصیل اسلامی ترویج گردد، بخصوص که قانون منع حدیث و فشار حُکام اموی باعث تشدید این وضع شده بود. لذا خلأ بزرگی در جامعه آنروز که تشنه هرگونه علم و دانش و معرفت بود، به چشم می خورد. امام صادق با توجه به فرصت مناسب سیاسی و نیاز شدید جامعه، دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدرش را گرفت و حوزه وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته های مختلف علمی و نقلی شاگردان بزرگی تربیت کرد. شاگردانی چون: هشام بن حکم، مفضل بن عمر کوفی جعفری، محمد بن مسلم ثقفی، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، جابر بن حیان و ... تعداد شاگردان امام را تا چهار هزار نفر نوشته اند. ابوحنیفه رئیس یکی از چهار فرقه اهل سنت مدتی شاگرد ایشان بود و خودش به این موضوع افتخار کرده است. امام از فرصت های گوناگونی برای دفاع از دین و حقانیت تشیع و نشر معارف صحیح اسلام استفاده می برد. مناظرات زیادی نیز در همین موضوعات میان ایشان و سران فرقه های گوناگون انجام پذیرفت که طی آنها با استدلال های متین و استوار، پوچی عقاید آنها و برتری اسلام ثابت می شد. ایشان بر اساس وظیفه الهی، امر امامت خود را آغاز کرد و از نظر فضل و دانش از همه اهل زمان برتری داشت و همه دانشمندان از وی به عظمت یاد می کردند. منزلت و مقامش از همه عالی تر و در میان عامه و خاصه به جلالت قدر معروف بوده و اهل سنت، علوم و اطلاعات بسیاری از وی نقل کرده اند و طالبان علم و دانش از اطراف و اکناف برای فیض کمالات او بر در سرای او بار افکندند و آوازه او در شهرها پیچیده بود و از هیچ یک از اهل بیت او به اندازه ای که دانشمندان از خرمن فضائل او استفاده کرده اند، بهره مند، نشده اند. دانشمندان به قدری که از آثار و اخبار آن حضرت نقل کرده اند از دیگر کسی نقل نکرده اند. برخی از رهبران و موسسان مکاتب فقهی اهل سنت به شاگردی خود در مکتب امام افتخار می کردند.

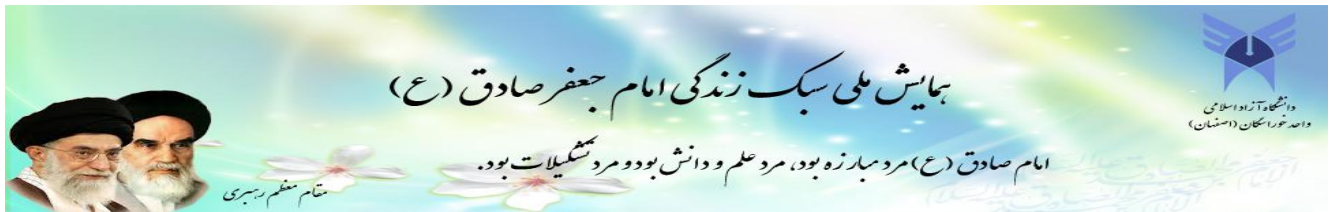
منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

باقری، خسرو (۱۳۸۴)، ماهیت و قلمرو تعلیم و تربیت اسلامی، در: نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.

بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۷



حر عاملی، شیخ محمدبن حسن (۱۱۰۴ ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه، ج ۴. (به تصحیح و تحقیق و تزییل عبدالرحیم ربانی شیرازی)، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

حسینی زاده، سید علی (۱۳۶۸). سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

روضه کافی، ج ۸، ص ۱۵۰.

فروع کافی جلد ۴ صفحه ۴۹

سادات، محمد علی (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات سمت.

صادقی، مژگان و پورجوادی نصراله. «دانشنامه جهان اسلام». بازبینی شده در ۲۸ آوریل ۲۰۱۲.

فائضی، علی (۱۳۷۷). مبانی تربیت روشها و اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات مسعی.

گروه نویسندگان مجمع جهانی اهل بیت (ع)، (۱۳۸۵). پیشوایان هدایت؛ پیشوای مذهب حضرت امام جعفر

صادق (ع)، تهران، چاپ اول. وزیر، ۳۳۵ ص.

محدث زاده، علی. (۱۳۴۰-۱۳۹۶ ق) اصحاب امام صادق (ع)، تهران، کتابخانه مدرسه چهل ستون مسجد جامع

تهران، ۱۳۷۳، وزیر، ۵۱۲ ص.

قائمی، علی. (۱۳۷۷). در مکتب احیاگر تشیع حضرت امام جعفر صادق (ع)، انتشارات امیری، ۴۲۸ ص.

خدایی، احمد. (۱۳۵۰). امام صادق (ع) یا قهرمان علم، مرودشت، انتشارات ولی عصر، رقعی، ۲۵ ص.

حیدر، شیخ اسد (۱۴۰۸ ق)، امام صادق (ع) و مذاهب چهارگانه، ترجمه: حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت

سهامی انتشار، ۱۳۶۹ ش، وزیری، ۴۵۵ ص.

محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، باب ۱، ح ۱۳، ص ۸۱.

مصباح الشریعه، ۱۳۷۷، ص ۷۰.

سایت حوزه